

اصلاح الگوی مصرف و محیط زیست

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۱/۱

سعید فراهانی فرد*

چکیده

در سده‌های گذشته زمانی که اقتصاد غرب، در صدد ساختن زیرساخت‌های اقتصادی خود و افزایش سطح تولید بود و پله‌های توسعه را طی می‌کرد اندیشه برگرفته از اخلاق پروتستان، آنان را به کوشش فراوان و مصرف کم تشویق می‌کرد. در سده بیستم، اقتصاد غرب به مرحله شکوفایی و تولید انبوه رسید و در همین دوران برای یافتن بازار جهت این محصولات، اخلاق اقتصادی به سمت مصرف‌گرایی تغییر جهت داد. پیامد مصرف‌گرایی، تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع زیست‌محیطی بود. منابعی که نسل‌های بعد نیز در آن سهم داشتند. این کشورها گرچه می‌کوشیدند برخی از صنایع آلوده را به کشورهای جهان سوم منتقل کنند اما خود نیز از آفت آن در امان نماندند. مسئله مقاله این است که مصرف‌گرایی، یکی از عوامل مهم تخریب محیط زیست بوده و پایداری توسعه را در کشورهای توسعه‌یافته مختل می‌سازد. در مقاله حاضر به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که دین اسلام با جهت‌دادن الگوی مصرفی مسلمانان و تشریح مقرراتی در این جهت، زمینه مصرف بهینه را در بین مسلمانان پدید ساخته که از آثار مثبت آن، حفظ منابع زیست‌محیطی است. خداآواری رفتارهای مصرفی انسان را در جایگاه خلیفه و امانتدار وی به گونه‌ای جهت می‌دهد که در کنار تحقق رفاه خود، آسیبی به حقوق دیگران و از جمله محیط زیست وارد نسازد. اصول اخلاقی و فقهی حرمت اسراف، اتلاف، اتراف و ضرر رسانی و نکوهش تجمل و مصرف‌زدگی در تقویت این هدف تأثیر فراوان دارد. روش تحقیق تحلیلی توصیفی بوده، با استفاده از آیه‌ها، روایت‌ها و قواعد فقهی، اصول حاکم بر مصرف را استخراج کرده و نقش آن در حفظ محیط زیست را تحلیل می‌کنیم.

واژگان کلیدی: مصرف‌گرایی، رفاه، محیط زیست، منابع زیست‌محیطی، عدالت بین نسلی، لاضرر، اختلال نظام، اسراف، اتلاف، اتراف، ساده‌زیستی، تجمل‌گرایی، برکت.

طبقه‌بندی JEL: D11, E21, Q56

شواهد تجربی نشان‌گر این است که تا دههٔ نخست قرن بیستم گرایش غالب در کشورهای صنعتی ناظر بر مذموم انگاشتن مصرف‌های غیرضرور و به‌ویژه گرایش به مصرف کالاهای لوکس و تجملی است. نگاه منفی به مصرف، به‌رغم اینکه طبیعت انسان همواره از مصرف لذت برده و گرایش به تجمل و اسراف دارد، برگرفته از اخلاق پروتستان است که به تعبیر وبر سرچشمه توسعهٔ اروپا شمرده می‌شود. در جهان‌بینی پروتستان شرط رستگاری انسان این است که تا سر حد توان بکوشد و به حداقل ضرورت مصرف کند و تا جایی که امکان دارد از مصرف‌های غیرضرور خودداری کند. اما از اوایل قرن بیستم با پدیدار شدن قدرت تولید انبوه، مسایلی مانند: بازاریابی، تبلیغات، فروش اقساطی و علائم تجاری و ترویج اخلاق مدگرا موضوعیت پیدا می‌کند. کشورهای صنعتی که تا پیش از آن تمام فضیلت‌ها را در حداقل مصرف سامان داده و نهادهای پشتیبان آن را هم پدید آورده بودند از این دوره به بعد، استراتژی محوری آنها خلق نیاز می‌شود و به تعبیر گالبرایت پایان دوران حاکمیت مصرف‌کننده فرا می‌رسد (مومنی، ۱۳۸۸). اگر براساس دانش اقتصاد، این مصرف‌کننده است که با درآمد و تقاضای خود تعیین می‌کند که عوامل تولید برای تولید چه کالاهایی و به چه میزان، تخصیص یابد، در دوران تولید انبوه، این دیگران هستند که برای وی خلق نیاز می‌کنند و وی ناخودآگاه کالاهایی را مصرف می‌کند که برایش با تبلیغات در نظر گرفته‌اند.

روند مصرف‌گرایی در این قرن که به همراه رشد شتابان و افسارگسیخته اتفاق می‌افتد به بلعیدن منابع زیست‌محیطی که متعلق به تمام نسل‌ها است می‌انجامد. اما همچنان ولع مصرف‌گرایی وجود دارد؛ اینجا است که مصرف، تصویر زشت خود را از دست داده و به واژه‌ای زیبا تبدیل می‌شود. ویکتور لبو در این باره می‌نویسد:

«اقتصاد فوق‌العاده بارور ما ... چنان می‌طلبد که ما مصرف را به شیوه زندگی خویش بدل سازیم، خرید و فروش کالاها را به‌صورت آیین درآوریم. می‌طلبد که اقناع خود، اقناع روح خود را در مصرف بجوئیم. ما نیازمند آن هستیم که چیزها مصرف شوند، بسوزند، فرسوده و تعویض شوند و با سرعتی رو به تزاید اسقاط شوند» (دورنینگ، ۱۳۷۴: ۵).

در ادامه این روند است که در اواخر قرن بیستم، جهان با مشکل تخریب محیط زیست

و از بین رفتن منابع زیست‌محیطی، گرم‌شدن زمین، انتشار گازهای گلخانه‌ای روبه‌رو می‌شود. امروز نه‌تنها بیشتر کلان‌شهرها، بلکه شهرهای کوچک و گاهی جنگل‌ها و دریاها، از جبهه‌های متعدد مورد تهاجم واقع شده‌اند. توسعه صنعت به‌رغم خدمات فراوان آن به بشر، خسارت‌های بسیاری به منابع زیست‌محیطی وارد کرده که دامنه آن افزون بر انسان، جانوران و گیاهان را نیز در بر گرفته است (بارو، ۱۳۸۰: ۲۱۳ - ۲۱۷).

امروزه با کنترل رشد جمعیت و تغییرهای فناوری، مشکل‌های زیست‌محیطی از این ناحیه تا حدودی کنترل شده است اما مشکل اصلی شتاب فزاینده رشد جامعه مصرفی است که احتمال می‌رود تا نیمه قرن ۲۱ به سه میلیارد نفر برسد. آلن دورنینگ برای حل این مشکل چنین می‌گوید:

«اگر قرار است اکوسیستم‌های تأمین‌کننده حیات این کره، برای نسل‌های آینده نیز باقی بمانند جامعه مصرفی به ناچار باید از مصرف منابع خود به شدت بکاهد ... همه می‌توانند در رسیدن به این هدف ما را یاری دهند اما برای تأمین محیط زیستی که بتواند زندگی بشریت را تأمین کند سرانجام ارزش‌های خود را دگرگون کرد» (دورنینگ، ۱۳۷۴).

جوامع انسانی و مجامع بین‌المللی و نویسندگان زیست‌محیطی، به‌طور عمده راه خروج از این بحران را در تغییر نگرش انسان به پدیده مصرف دانسته، تأکید کرده‌اند که این کار یکی از مسؤولیت‌های مهم ادیان است. شوماخر در این‌باره می‌گوید:

«فوری‌ترین نیاز زمان ما لزوم بازساخت ماوراءالطبیعه است و خواهد بود و باید عالی‌ترین کوششمان را در راه روشن ساختن ایمان عمیقمان درباره مسئله انسان چیست؟ از کجا آمده است؟ و هدف زندگی چیست؟ به‌کار بریم» (ریف‌کین، ۱۳۷۴: ۲۴۸).

بنابراین مهمترین مسئله تحقیق، این است که تداوم فرایند مصرف‌زدگی، که نتیجه دور شدن افراد از آموزه‌های پیامبران است، مصرف کالاها و خدمات را از مسیر بهینه آن خارج کرده و با آسیب وارد کردن به محیط زیست و منابع زیستی، رفاه مجموع مردم را با مشکل روبه‌رو می‌سازد.

فرضیه‌ای که در این مقاله به دنبال اثبات آن هستیم این است که دین اسلام با جهت دادن رفتار مصرفی مسلمانان و تشریح مقرراتی در این جهت، زمینه‌های مصرف بهینه و به‌دنبال آن، حفظ محیط زیست را فراهم می‌کند. ما باور داریم دین اسلام در چارچوبی استوار انسان را به‌گونه‌ای تربیت کرده و مصرف وی را طوری جهت می‌دهد که تعالی و

تکاملش به سرانجام می‌رسد و این تعالی به قیمت تخریب محیط زیست و پایمال کردن حقوق دیگران نخواهد شد.

در مقاله حاضر بعد از مروری بر ادبیات موضوع، محیط زیست را تعریف کرده و محورهای اساسی مدیریت آن را بیان می‌کنیم. در ادامه با ارائه قواعد و اصولی که از جانب شرع برای مصرف تعیین شده، اثبات خواهیم کرد که دین اسلام با این مبانی، از راه بهینه ساختن مصرف مسلمانان، ضمن فراهم ساختن رفاه آنان، از تخریب محیط زیست و منابع زیست‌محیطی جلوگیری کرده زمینه ارتقای آن را نیز فراهم می‌کند.

ادبیات مصرف و محیط زیست

درباره هر یک از مصرف و محیط زیست مطالعه‌های فراوانی صورت گرفته است. شروع مطالعه درباره محیط زیست، به مالتوس بر می‌گردد که رشد تصاعدی جمعیت را مهمترین عامل تخریب محیط زیست دانسته است.^{*} همچنین مطالعات درباره مصرف به ابتدای قرن بیستم برمی‌گردد. ابتدا این مطالعات فقط در حوزه مصرف بود بدون اینکه درباره آثار زیست‌محیطی آن اشاره شود. مرحله نخست این مطالعات با مقاله توریستن و بلن (Thorstein Veblen, 1899) (اقتصاددان و جامعه‌شناس) که به تحلیل جامعه‌شناسی درباره طبقه مرفه پرداخته است، شروع می‌شود. مقاله هاروی لیبستین (Harvey Leibenstein, 1950) که درباره آثار باند ویجن، اسنوب و وبلن (Bandwagon, Snob and Veblen) نوشته شده است، نقطه عطف دیگری در مطالعات مصرف است، این مقاله که الهام‌بخش مطالعه‌های فراوانی درباره آثار نمایشی و موقعیتی مصرف (در ارتباط با شأن) و به دنبال آن کالاهای موقعیتی شد؛ نخستین اثری است که به‌طور صریح به آثار خارجی اجتماعی مصرف خصوصی پرداخته است. تا اوایل دهه هفتاد تمایل مطالعات مصرف بر این بود که به جامعه مصرف‌کننده در چشم‌انداز انتقادی توجه داشته باشد؛ به‌طور مثال می‌توان به آثار گالبرایت (Galbraith)، اریک فروم (Erich Fromm)، هارود (Harrod)، مارکوزه (Marcuse)، بارتس (Barthes)، بادریلارد (Baudrillard) اشاره کرد. نوشته‌های انتقادی توجه خود را روی موضوع‌هایی مانند: تحلیل ریشه (ذات) تمایل‌های مصرفی، از خودبیگانگی،

*. برای اطلاع از این تحقیقات، رک به: کتاب اقتصاد منابع طبیعی از نگارنده که زیر چاپ است.

خودخواهی، لذت‌گرایی، و مصرف بی حد و حساب (مصرف‌گرایی) و تقدم مصارف شخصی بر مصارف جمعی متمرکز کرده بود.

در این مطالعه‌ها جنبه‌های زیست‌محیطی مصرف به‌طور معمول بخش مهمی از آنها را تشکیل نمی‌داد. مطالعه درباره جنبه‌های زیست‌محیطی مصرف در دهه ۶۰ شروع به پدیدار شدن کرد. در این دوران، اندیشه‌وران اکولوژی از هدف‌های اجتماعی غالب رشد اقتصادی و مصرف فزاینده به جهت هزینه‌های زیست‌محیطی آن، پرسیدند (Daly 1968; Ayres & Kneese 1969). در این مقاله‌ها و مقاله‌های دیگری که بعد نوشته شد پدیده مصرف اقتصادی، زیست‌محیطی اساساً به‌صورت توافق و نه به‌صورت موضوعی برای مطالعه‌های تفصیلی به نظر می‌رسید. مطالب محیط زیست‌گراهای مشهورتر اغلب با مسایل اخلاقی مانند ما باید مصرف را کاهش دهیم سروکار داشت.

فرد هیرچ (Fred Hirsch, 1976) یکی از نخستین اقتصاددانانی بود که هر دو موضوع را به‌صورت تحلیلی ترکیب کرد. وی گفت ماورای محدودیت‌های زیست‌محیطی رشد، محدودیت‌های اجتماعی نیز وجود دارد که وظیفه داخلی کردن آثار خارجی مصرف و هزینه‌های دفاعی را افزایش می‌دهد.

دهه ۱۹۷۰ تحقیق‌هایی را به همراه داشت که به‌طور خاص مرتبط با مصرف و محیط زیست بود. البته این مطالعه‌ها بر الگوهای رفتاری مصرف‌کنندگان فردی تمرکز داشت. همراه با بحران انرژی، تحقیق‌های فراوانی به رفتار استفاده و صرفه‌جویی در انرژی علاقمند شدند و مهندسين را تشویق به وارد شدن در موضوع‌هایی مانند: سبک زندگی و به تدریج اندیشه‌وران علوم اجتماعی را به مطالعه‌هایی درباره انرژی جذب کردند (Røpke, & Reisch, 2004: 1-4).

در دهه ۱۹۸۰ میلادی دو اثر بسیار مهم به نام‌های «استراتژی‌های حفاظت جهانی» و «گزارش براتلند» به چاپ رسیدند. گزارش براتلند بر این نکته تأکید دارد که مشکل‌های زیست‌محیطی کشورهای در حال توسعه به تمام کشورهای دنیا ارتباط پیدا می‌کند. در کتاب دوم نیز برای نخستین بار اصطلاح توسعه پایدار به‌طور وسیع مورد استفاده قرار گرفت. می‌توان گفت این دو اثر رابطه جدیدی بین علوم اجتماعی، علوم طبیعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری پدید آورند و به احتمال قوی از مهمترین نوشته‌های قرن بیستم میلادی

شمرده می‌شوند (بارو، ۱۳۸۰: ۲۴۰ - ۲۳۰).

گزارش براتلند، کنفرانس ریو، و تدوین برنامه عمل قرن بیست و یکم در سال ۱۹۹۲ علایمی از تغییر در تمرکز سیاست‌های زیست‌محیطی بود. چشم‌انداز تقریباً انحصاری تولیدمحور به سمتی گسترش یافت که شامل مصرف و فعالیت‌های محلی شهروندان هم شد. اگرچه سطح مصرف در کشورهای ثروتمند در آغاز به‌طور مستقیم مورد توجه نبود، اما پرهیز از این موضوع (در موقعیتی که علاقه فزاینده‌ای به مشکلاتی مانند گرم‌شدن جهانی به وجود آمده بود) سخت بود.

در بین پژوهشگران مسلمان نیز درباره هر یک از موضوع‌های محیط زیست و مصرف آثار ارزشمندی وجود دارد. صدر این مسئله را بیان کرده که دین اسلام، با تبیین حقوق مالکیت و بهره‌برداری منابع طبیعی، و نیز تعیین ضوابط عدم اسراف و اضرار زمینه تخریب محیط زیست را از بین برده است (صدر، ۱۳۷۸: ۲۴). نصر انتقادهای اندیشه‌وران محیط زیست بر ادیان و آموزه‌های دینی را مطرح و به برخی از آنان پاسخ داده است (نصر، ۱۳۸۴). قحف در بخش پایانی مقاله‌ای که تحت عنوان «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی» نگاشته است، گفته است کشورهای مسلمان، از زمینه فرهنگی بسیار قوی برخوردار هستند که می‌تواند تأثیر خوبی بر رفتار مصرفی در جهت کاهش ضایعات و افزایش پس‌انداز داشته باشد. وی می‌گوید:

«میراث بزرگی از حکمت‌ها و آیه‌های قرآنی است که میانه‌روی و عقلایی بودن در مصرف را ستوده و اسراف، تقلید از دیگران و مصرف بیهوده را نکوهش کرده است» (قحف، ۱۳۸۴: ۱۶۷). حسینی پس از تبیین مفروضات نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان و بررسی ضوابط حاکم بر تخصیص درآمد، به ارائه مدلی برای رفتار مصرفی پرداخته است (حسینی، ۱۳۷۹). میرمعزی نیز در یک مدل اقتصاد کلان، رفتار مصرف‌کننده مسلمان را بررسی کرده است (میرمعزی، ۱۳۸۴). افزون بر اینها دیرباز (۱۳۸۰)، محقق داماد (بی‌تا)، رمضان اختر (۱۳۸۱)، جوادی‌آملی (۱۳۸۰)، سعدالدین (بی‌تا)، فضلان (۱۳۷۸)، سیدجمیل (۱۴۲۰) نیز به نوعی به مسئله محیط زیست یا مصرف اشاره‌هایی داشته‌اند اما در بین آثار، هیچ‌یک این دو مسئله را با هم ندیده و تأثیر مصرف بهینه بر محیط زیست را بررسی نکرده است.

تعریف محیط زیست

تعریف‌های گوناگونی برای محیط زیست از جنبه‌های گوناگون شده است. آنچه در این قسمت مورد توجه است، شامل محیط طبیعی، و در برگیرنده بخشی از فضای سطح کره زمین است که به دست انسان ساخته نشده؛ مانند: کوه‌ها، دشت‌ها، جنگل‌ها، حیات وحش، دریاها و غیره. هانلی، شوگرن و وایت در تعریف محیط زیست گفته‌اند:

«منظور از محیط زیست (بیوسفر) لایه نازک روی سطح زمین است که حیات و زندگی در آن جریان دارد و به تعبیر نیسبت (1991) اتمسفر (جو)، ژئوسفر (قسمتی از زمین که زیر بیوسفر قرار دارد) و تمام گیاهان و جانوران روی زمین را شامل می‌شود. بنابراین تعریف، محیط زیست شامل تمام اشکال حیات، منابع انرژی و معدنی، استراتوسفر (جو بالا) و تروپوسفر (جو پایین) می‌شود» (Hanley, Shgren & Whith, 1997: 1 – 13)

مدیریت اقتصادی محیط زیست

۱۰۳

امروزه دیدگاه‌هایی که با اصل قرار دادن رشد اقتصادی، باور به حداکثر بهره‌کشی از منابع زیست‌محیطی دارند و به اقتصاد ضد سبز معروف شده‌اند، دست‌کم در مقام نظریه طرفدار ندارد. از طرفی اقتصاد بسیار سبز نیز که به دنبال حداقل رسانیدن برداشت از منابع است با واقعیت عملی نبودن روبه‌رو شده است. زاکس در این باره می‌گوید:

«لازم است معیارهای نادرست افراطی و تفریطی طبیعت‌گرایی یا تصنع‌گرایی در نظام‌های بوم‌زیستی رها شود و به جای آنکه کوشش شود تا برای روابط میان انسان و طبیعت مقررات و قواعد عملی و ضرور وضع شود، کوشش شود تا راه‌هایی برای احیای منابع طبیعی پیدا شود، که از لحاظ اجتماعی و بوم‌زیستی مفید و احتیاط‌آمیز باشد» (زاکس، ۱۳۷۳: ۳۰).

به همین جهت امروزه اغلب اقتصاددانان به دنبال بهره‌برداری مدیریت شده از منابع طبیعی هستند، به گونه‌ای که ضمن حفظ پایداری این منابع و به حداکثر رساندن منافع آن‌ها، تا جایی که ممکن است از آلوده‌سازی محیط نیز احتراز شود. بنابراین، مدیریت محیط زیست از دو محور اساسی تشکیل می‌شود:

أ. محور نخست، بهره‌برداری مطلوب و پایدار از منابع پایان‌پذیر و تجدید شونده؛ در این محور بحث از این است که از منابع تجدید شونده به گونه‌ای استفاده شود که تبدیل به

منابع پایان‌پذیر نشوند. یعنی به سمت بهره‌برداری بهینه و کارا از این منابع حرکت کنیم و منابع پایان‌پذیر نیز در حد ضرورت بهره‌برداری شده و حتی الامکان از منافع آنها در جهت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و زیرساختی استفاده شود؛

ب. محور دوم، مدیریت آلاینده‌ها به گونه‌ای که خارج از ظرفیت جذب طبیعت نباشد؛ محور اساسی در این قسمت مدیریت رابطه انسان و طبیعت است زیرا بیشترین تخریب و پدیدساختن آلودگی در محیط زیست از ناحیه انسان صورت می‌گیرد.

عامل‌های گوناگونی که سبب تخریب در محیط طبیعی می‌شوند عبارت هستند از:

۱. افزایش جمعیت: جمعیت بیشتر نیازمند به مصرف بیشتر است و این به نوبه خود منابع بیشتری را استفاده کرده و زیاله بیشتری وارد محیط کرده و آلودگی بیشتری پدید می‌آورد؛

۲. گسترش مدیریت نشده کشاورزی: افزایش زمین‌های کشاورزی بسیاری از زیست‌گاه‌ها را تخریب کرده، باتلاق‌ها و برکه‌ها خشک شده و تأثیر مساعد آنها بر رویش گیاهی و جانوری از بین می‌رود. همچنین بسیاری از ساختارهای اساسی جنگلی جهت گسترش کشاورزی از بین رفته‌اند؛

۳. شهرنشینی: شهرنشینی به دنبال خود صنعتی شدن و آن نیز آلودگی آب، هوا و تخریب زمین‌ها را به همراه خواهد داشت؛

۴. چرای بیش از اندازه: استفاده ممتد از مراتع طبیعی بدون بازگرداندن مواد تغذیه‌ای خارج شده از آن یکی از جنبه‌های مهم اکثر مراتعی است که از آنها بهره اقتصادی می‌کنند. نتیجه چرای بیش از حد، از بین رفتن رویش گیاهی و تخریب خاک، و در نتیجه تخریب اکوسیستم و کاهش ظرفیت محیطی است؛

۵. از بین رفتن جنگل‌ها: یکی از پیامدهای صنعتی شدن، تخریب جنگل‌ها است که در نتیجه نیاز به کاغذ و مصنوعات چوبی پدید آمده است. گرچه در برخی از مناطق فعالیت‌های جنگل‌کاری رشد یافته اما نتوانسته است همپای تخریب جنگل‌ها پیش برود؛

۶. فقیران: توجه به اینکه فقیران، از مایحتاج اولیه زندگی خود محروم بوده و برای برآورده ساختن نیازهای خود ناگزیر هستند به صید ماهی از دریا و شکار جانوران بدون توجه به قواعد صید و شکار، پردازند، از زمین مزروعی خود با توجه به وسعت کم آن بیش از ظرفیت استفاده کنند و مراتع را نیز بدون توجه به از بین رفتن ریشه بوته‌ها بچرانند. از طرفی نسبت به آلوده‌نکردن محیط زیست نیز اهمیتی ندارند و در مجموع فقر آنان سبب تخریب منابع زیست‌محیطی می‌شود.

به نظر می‌رسد عامل‌هایی که به عنوان آلوده‌کننده محیط زیست ذکر شد، به‌طور مستقیم تأثیر در این امر نداشته باشند بلکه عامل مهم در همه اینها مصرف‌زدگی و به تعبیر دقیق‌تر، استفاده ناکارآمد از منابع زیست‌محیطی است. این مسئله را در بخش‌های بعدی مقاله با تفصیل بیشتری پیگیری خواهیم کرد.

اما آنچه در این قسمت تأکید می‌کنیم این است که آموزه‌های اسلام، اعم از قرآن و روایت‌ها و فقه، بر بهره‌برداری بهینه منابع زیست‌محیطی تأکید دارند و از هرگونه تخریب محیط زیست به شدت منع می‌کنند (سجده (۳۲)، ۷؛ رحمن (۵۵)، ۶؛ رعد (۱۳)، ۱۳؛ اسراء (۱۷)، ۱۴ و آیه نخست از سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن). نتیجه این تأکیدها و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی، حفظ تنوع زیست‌محیطی و جلوگیری از عدم تعادل در آن است.

تعریف مصرف

مصرف، عبارت است از استفاده از منابع برای رفع نیاز (کردبچه، ۱۳۸۷: ۴۵)، در برابر مصرف‌زدگی که استفاده بیش از مقدار نیاز است. در دانش اقتصاد، مصرف و افسین مرحله فرایند اقتصادی است و از توزیع و تولید که پیش از آن قرار داشته و حکایت از جمع‌آوری، تقسیم و توزیع ثروت را دارد تمییز می‌یابد.

نکته قابل توجه این است که در زبان عربی و انگلیسی، واژه معادل مصرف، کلمه‌ای است که معنای از بین بردن و تلف کردن دارد.

در زبان عربی، از مصرف با کلمه استهلاك یاد شده است. در زبان انگلیسی نیز مصرف با کلمه‌هایی مانند: expenditure , disposal , consumption , waster , wasteful , utilization , utilisable , use معرفی شده است که مصطلح‌ترین آنها که در دانش اقتصاد به کار می‌رود consumption است که چنین معنا شده است:

«خرج کردن برای باقی ماندن یا لذت بردن در برابر پس‌انداز که زمینه تولید در آینده را فراهم می‌کند».

در اقتصاد، به‌طور معمول بحث مصرف در دو سطح خرد و کلان مطرح می‌شود که جهت دادن هر دو به سمت مصرف بهینه، در تخریب یا ارتقای محیط زیست تأثیر دارد. در

سطح خرد، بحث از این است که مصرف‌کننده با توجه به درآمد خود به‌گونه‌ای مصرف می‌کند که مطلوبیتش حداکثر شود. به عبارت دیگر مصرف‌کننده به منظور بیشینه‌ساختن لذت خود، درآمدش را بین کالاهای گوناگون از جمله پس‌انداز تخصیص می‌دهد و به همین جهت در سطح خرد گفته می‌شود که اصل با حاکمیت مصرف‌کننده است. یعنی مصرف‌کننده‌ها برحسب میزان نظرات پولی خود حق تأثیرگذاری درباره‌ی اینکه چه چیزی به چه میزان و چگونه تولید شود، خواهند داشت. مصرف در این سطح از دو جهت به محیط زیست ارتباط دارد. از طرفی مصرف‌کننده با استفاده بیشتر کالاهای مصرفی، زمینه تولید بیشتر این کالاها را فراهم کرده و به استفاده بیشتر از منابع پایان‌پذیر و در برخی موارد استفاده بی‌رویه از منابع تجدید شونده خواهد انجامید و آلودگی بیشتری را پدید می‌آورد. از طرف دیگر مصرف در برخی موارد به‌طور مستقیم به استفاده از منبع طبیعی مرتبط است. به‌طور مثال مصرف بی‌رویه آب، سبب کاهش ذخایر آب کشور شده و به تخریب محیط زیست می‌انجامد.

در بحث مصرف در سطح کلان بیشتر، روی قاعده‌های رفتاری که نسبت مصرف را با متغیرهای کلان مانند: پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، توزیع درآمد و رشد اقتصادی مشخص می‌کند، متمرکز می‌شویم. در این سطح هر چند که در اصطلاح، فقط مصرف بخش خصوصی به عنوان مصرف مصطلح مطرح است و بخشی از کالاهای مصرفی که به‌وسیله دولت مصرف می‌شوند به لحاظ اینکه مخارج دولت در جایگاه متغیری برون‌زا مطرح است خارج از مصرف مصطلح در سطح کلان است اما توجه داریم که از نظر نقشی که در استفاده از منابع دارد تفاوتی با مصرف مصطلح ندارد. همچنین مخارج سرمایه‌گذاری نیز، گرچه از بحث مصرف مصطلح خارج است اما به هر تقدیر، به نوعی استفاده از منابع طبیعی شمرده می‌شوند که چگونگی تخصیص آنها بین کالاهای گوناگون و همچنین نسل‌های گوناگون در محیط زیست و توسعه پایدار نقش خواهد داشت.

مبانی اعتقادی، فقهی و ارزشی در دو سطح مصرف، اثرگذار خواهد بود. این مبانی در سطح نخست بر رفتار مصرفی افراد تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز گرایش به مصرف بهینه و به دور از اسراف و تبذیر را فراهم می‌کند که نتیجه آن محیط زیستی سالم است. در سطح دوم هم، اثر خود را بر محیط زیست از راه سیاست‌های دولت آشکار می‌سازد.

قاعده‌های حاکم بر مصرف در اسلام

جهت‌گیری اولیه مکتب‌های الهی به‌ویژه اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی وی است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ بخش قابل‌توجهی از دوران رسالت خود را به‌ویژه در مکه به این مهم پرداخت. انسان معتقد و تربیت‌شده در دامن مکتب‌های الهی، رفتار مصرفی خود را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی درباره تضییع حقوق هموعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه به همراه نخواهد داشت. با این وجود سازوکارها و اصولی کاربردی در دین تعبیه شده که ضمن تقویت جنبه تربیتی مسلمانان از افراط و تفریط انسان‌های کمتر تربیت‌شده یا تربیت‌نشده جلوگیری می‌کند. این اصول را در سه طبقه مبانی کلامی، فقهی و اخلاقی بیان می‌کنیم.

أ. مبانی کلامی

این اصول، مبانی اعتقادی مسلمانان را تشکیل می‌دهد و نقش اساسی در شکل‌گرفتن الگوی مصرف آنان دارد. همچنین زیربنای مبانی فقهی و اخلاقی نیز است.

۱. ایمان به خداوند و آخرت‌گرایی

مهمترین عامل ناکامی کوشش‌های فراوان اندیشه‌وران و مجامع بین‌المللی درباره حفظ محیط زیست، فقدان ضمانت اجرایی برای عمل به تعهدهای این مجامع است. این مشکل در مکتب‌های الهی تا حدود فراوانی حل شده است. نخستین اقدامی که پیامبران بعد از رسالت خود انجام می‌دادند کوشش در جهت دعوت انسان‌ها به اطاعت از خداوند متعال و باور به عالم آخرت و تقویت ایمان آنان بود. آنان به خوبی می‌دانستند که هرگاه ایمان به خداوند متعال در دل فردی رسوخ کند، فعالیت‌های خود را همان‌گونه که خداوند متعال می‌خواهد انجام می‌دهد و هر چه عشق و ایمان وی به خداوند متعال فزونی یابد، نافرمانی‌های وی کاهش می‌یابد و اعمالش رنگ‌خداایی می‌یابد. این باور منافع شخصی را با مصالح اجتماعی گره می‌زند. انسان در سایه این باور، گرفتار مصرف‌زدگی نمی‌شود و مصرف وی از نعمت‌های خداوند حساب‌شده خواهد بود و در مواقع ضرورت از مصرف مباح جهت هدف مهم‌تر چشم‌پوشی می‌کند.

در این نگاه، بسیاری از واژه‌های اقتصاد مانند: سود و مطلوبیت، دگرگون شده و معنای گسترده‌تری می‌یابد (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۸۸). انسان معتقد به آخرت، به آثار تکوینی و معنوی مصارف غیرمشروع توجه خواهد داشت و می‌داند مصرفی که تضييع کننده حقوق دیگران باشد دنیای وی را تلخ کرده و آخرتش را تباه می‌سازد.

۲. خلافت انسان در روی زمین

یکی از برجستگی‌های انسان که وی را از موجودات دیگر متمایز کرده و خداوند متعال بر خلقت وی تبریک گفته، این است که پروردگار از وی در جایگاه خلیفه خود بر روی زمین یاد کرده است (بقره (۲)، ۳۰) و بر همین اساس از وی خواسته است از اموالی که در جایگاه جانشین خداوند در آنها تصرف می‌کند انفاق کند (حدید (۵۷)، ۷). انسان در جایگاه خلیفه خداوند این شایستگی را پیدا کرده که خورشید و ماه و روز و شب (ابراهیم (۱۴)، ۳۳) و آنچه در آسمان و زمین است (لقمان (۳۱)، ۲۰) و نیز دریاها و رودخانه‌ها و کشتی‌ها (ابراهیم (۱۴)، ۳۳ و جاثیه (۴۵)، ۱۲)، مسخر وی باشد. تسخیر این موجودات برای انسان که به صورت هدف غایی خلقت مطرح است و همه چیز برایش آفریده شده، استفاده وی را از نعمت‌های خداوند متعال هموار ساخته و رفاه دنیایی‌اش را که زمینه‌ساز سعادت آخرتی وی است، فراهم کرده است. توجه به این نکته ضرور است که مسخر شدن بر طبیعت به معنای تسلط مطلق بر آن نیست؛ به گونه‌ای که بتواند هر کاری را بخواهد درباره آن روا دارد تا به طور ضمنی خرده‌ای را که عده‌ای به آموزه‌های ادیان گرفته‌اند مبنی بر اینکه تخریب محیط زیست ناشی از نگاه سلطه‌آمیز ادیان الهی برای انسان به طبیعت است، وارد باشد، (هات، ۱۳۸۲)؛ بلکه معنای تسخیر این است که طبیعت قابلیت هدایت و در مسیر استفاده بهینه قرارگرفتن را دارد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده‌های طبیعی به اندازه لازم استفاده کند و به اصطلاح، طبیعت از این لحاظ مانند موم در دست بشر است و در این جهت از خود مقاومتی نشان نمی‌دهد.

همچنین در آیه شریفه‌ای که زمین را رام شده برای بشر دانسته و اجاز راه رفتن بر شانه‌های آن را به وی داده است، مقصود این نیست که برای انسان هر نوع تصرف در روی زمین روا باشد بلکه مقصود این است که خداوند زمینی را که با سرعت بسیار فراوان در

حرکت است برای بشر رام کرد و این امکان را برایش فراهم ساخت تا از موهبت‌های زمین بهره‌مند شود (ملک (۶۷)، ۱۵). طبیعی است که تصرف‌های خلیفه خداوند بر روی زمین متناسب با جایگاه‌اش خواهد بود.

۳. امانتداری انسان

در اندیشه لیبرال، با اصالت‌دادن به انسان در برابر خداوند متعال، و براساس مبنای فلسفی اصالت فرد، وی را مالک حقیقی اموال خود دانسته و حق هرگونه تصرفی را در اموالش می‌دهد. در این نگاه مصرف‌کننده می‌تواند مالش را از بین ببرد، آتش بزند یا به دیگری ببخشد. این در حالی است که مصرف‌کننده مسلمان نعمت‌های الهی را به صورت امانت در اختیار گرفته و خود را جانشین خداوند در اموال می‌داند. یکی از ویژگی‌های انسان در قرآن این دانسته شده است که امانتی را که موجودات دیگر از تحمل آن سرباز زدند پذیرفت (احزاب (۳۳)، ۷۲). گرچه تفسیرهای گوناگونی درباره امانت خداوند در این آیه شریفه شده است اما در هر صورت امین بودن انسان از آن فهمیده می‌شود. وقتی انسان امین خداوند متعال شد در همه و از جمله نعمت‌هایی که خداوند به وی عطا کرده، امین است. این مطلب در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز وارد شده است.

«المال مال الله يضعه عند الرجل ودایع» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵، ح ۱۵۳۷۰).

«همه اموال، در مالکیت (حقیقی) خداوند قرار دارند که به صورت امانت در نزد انسان است.»

انسان در جایگاه خلیفه خداوند متعال هیچ‌گاه به خود اجازه تصرف نابخردانه در امانتی که خداوند برای مصالح وی در اختیارش قرار داده است را نمی‌دهد بلکه درصدد است که بهترین استفاده را از این نعمت‌ها برای رفاه دنیا و سعادت آخرتش بکند. همچنین وی با توجه به باوری که به آخرت دارد خود را درباره این امانت پاسخگو می‌داند (تکاثر (۱۰۲)، ۸) و به همین جهت در مصرف اموال شخصی و نیز اموال عمومی دقت بیشتری خواهد کرد.

۴. رابطه تقوا و برکت

یکی از اصول اعتقادی در حوزه مصرف و رفتار مصرفی در نظام اقتصادی اسلام این است که اگر مصرف همراه با تقوا، شکر، و رعایت حدود شرعی باشد سبب برکت و تداوم نعمت و ازدیاد آن شده و بر عکس اگر ناسپاسی و معصیت در کنار مصرف قرار گیرد

باعث زوال نعمت می‌شود. این رابطه به قدری روشن و صریح است که در ادبیات اسلامی به صورت سنت از آن یاد شده و در آیه‌های متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله در آیه‌ای خداوند متعال تقوای مردم را سبب نزول برکات از آسمان و زمین بر آنان دانسته است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف (۷)، ۹۶).

«و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، به طور قطع برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، اما تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم».

نکته قابل توجه در کلمه برکت، معنای فراوانی و استمرار است که در آن نهفته است. بنابراین به خوبی می‌توان از این آیه استفاده کرد که در آموزه‌های اسلامی، مصرف منع نشده و مسلمانان به مصرف نکردن یا کم مصرف کردن وادار نشده‌اند، زیرا این مسئله با مفهوم برکت منافات دارد بلکه آنچه از مفهوم برکت و ارتباط آن با تقوا فهمیده می‌شود، این است که مصرف مسلمانان باید حساب شده باشد. از نعمت‌های خداوند متعال در راه معصیت استفاده نکنند، از کالاهایی که در شرع منع شده‌اند پرهیز کنند در این صورت است که نعمت‌های خداوند متعال بر اهل ایمان سرازیر می‌شود و آنها می‌توانند به وفور از این نعمت‌ها استفاده کنند. چنانکه در بهشت نیز هر آنچه مومنان اراده کنند در اختیارشان است و می‌توانند از آنها بدون هیچ محدودیتی استفاده کنند. در برابر براساس این آیه، تکذیب آیه‌های خداوند متعال باعث زوال نعمت دانسته شده است. آیه ذیل در این جهت است:

«کسانی که از نعمت‌های خداوند استفاده درست نکردند زمینه هلاکت خود و جامعه خود را پدید آوردند» (ابراهیم (۱۴)، ۲۸).

یکی از موارد استفاده نادرست، که باعث ناسپاسی شده و به تعبیر روایت‌ها، فقر و زوال نعمت را به دنبال دارد اسراف است (کلینی، ۱۳۷۶: ۵۳، ح ۴ و ۸)، براساس آیات قرآن هرگاه افراد ناسپاس و گنهکار از گناه خود استغفار کنند دوباره مشمول نعمت‌های خداوند می‌شوند:

« از پروردگارتان آمرزش بخواهید که وی همواره آمرزنده است. (تا) بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد، و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد» (نوح (۷۱)، ۱۲ - ۱۰).

۵. همگانی بودن ثروت‌های طبیعی

مطابق آیه‌های فراوانی از قرآن، اصل اولیه در ثروت‌های طبیعی این است که به همه مردم تعلق دارند. در قرآن بارها بر این واقعیت تأکید شده که خداوند متعال، زمین و معادن و دریاها و کوه‌ها، خورشید و ستارگان را به نفع بشر مسخر کرده، نزول باران، روییدن گیاهان، باغ‌ها و میوه‌ها، ... و آنچه روی زمین است را برای انسان و رفاه وی آفریده است. بنابراین، اختصاص یافتن بخشی از زمین، کوه یا مواد اولیه به افراد دلیل خاص می‌خواهد:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره (۲)، ۲۹).

«خداوند آنچه در روی زمین است را برای شما آفرید».

روشن است که واژه «شما» فقط بر گروهی از مردم دلالت نمی‌کند؛ بلکه جمیع مردم را در برمی‌گیرد. در جای دیگر نیز فرموده است:

«وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (رحمن (۵۵)، ۱۰).

«خداوند زمین را برای مردم آفرید».

علامه طباطبایی رحمته الله در این باره می‌فرماید:

«این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام شمرده می‌شود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمیع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح عامه با آن مخالفت نداشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴، ۱۸۳).

همچنین آیه‌ای که فلسفه تشریح مالکیت دولتی برای انفال را بیان می‌کند، بر همین مطلب دلالت دارد (حشر (۵۹)، ۷). بنابراین هرگونه تصرف در این اموال و از جمله منابع زیست‌محیطی، باید با این توجه باشد که دیگران نیز در این اموال سهیم هستند و هر تصرفی که به نوعی تضییع حقوق دیگران را سبب شود با این هدف سازگاری نخواهد داشت.

۶. تفکیک ناپذیری دنیا و آخرت

رعایت حدود مصرف از منظر اسلام، وی را به ورطه رهبانیت و ترک دنیا نمی‌افکند زیرا در اسلام، بین دنیا و آخرت تضاد وجود ندارد و استفاده از موهبت‌های این دنیا انسان را از نعمت‌های اخروی باز نمی‌دارد. قرآن کریم این تصور را که مؤمنان نباید از نعمت‌های دنیا استفاده کنند، نادرست می‌شمارد و می‌فرماید:

«ای پیامبر) بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟! بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است» (اعراف (۷)، ۳۲).

در گفتار معصومان علیهم‌السلام، پاداش کسی که برای تأمین زندگانی خود و خانواده‌اش از راه حلال می‌کوشد، مانند پاداش مجاهد راه خدا شمرده شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۱۱، ۴) و کسانی که نعمت‌های خدا را بر خود حرام ساخته، گوشه‌نشینی اختیار کرده‌اند به شدت سرزنش شده‌اند (رضی، ۱۳۶۸: خ ۲۰۹).

براساس این مبنا، استفاده بهینه از نعمت‌های خداوند متعال منافاتی با رفاه و زندگی خوب نخواهد داشت بلکه از نظر شرع چنین زندگی رجحان هم دارد ضمن اینکه پیامد منفی نیز برای خود و دیگران ندارد.

ب. مبانی فقهی

اصولی که در این قسمت بیان می‌کنیم به نوعی اصول کاربردی هستند و در کنار اصول اعتقادی که مهمترین عامل در مصرف بهینه در سطح خرد و کلان هستند، به صورت ابزارهایی جهت ضمانت اجرای قوانین و مقررات مربوط به مصرف، برای افراد در لایه‌های ضعیف‌تر ایمانی نیز استفاده می‌شود.

۱. تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی

نوع مالکیت منابع زیست‌محیطی و شیوه بهره‌برداری از آنها اثر فراوانی در حفظ یا تخریب این منابع خواهد داشت. تجربه ثابت کرده است بدترین حالت، زمانی است که حدود مالکیت این منابع تعیین نشده و دسترسی به آنها برای همگان آزاد باشد. مالکیت خصوصی این منابع نیز با توجه به اینکه بخش خصوصی در صدد بیشینه‌کردن منافع خود است ممکن است به تخریب آنها بینجامد. در نظام اسلامی، بخش قابل توجهی از این منابع در مالکیت دولت یا تحت سرپرستی آن قرار داده شده است و با توجه به این که در رأس نظام اسلامی، امام معصوم علیه‌السلام یا فقیه عادل قرار دارد به نوع بهره‌برداری از این منابع و اینکه به تخریب آنها بینجامد اشراف دارد. بخشی از این منابع که از آنها به مباحات عامه یاد می‌شود در خطر تخریب قرار دارند اما با توجه به قاعده منع اختلال نظام که بیان خواهیم

کرد این مشکل مرتفع می‌شود. البته مالکیت دولتی این منابع با تصدی خود دولت در بهره‌برداری از آنها تلازم ندارد بلکه نظارت دولت را بر چگونگی بهره‌برداری از آنها تقویت می‌کند.

۲. قاعده لاضرر

یکی از قاعده‌های فقهی که در فقه کاربرد فراوانی دارد، قاعده لاضرر است. این قاعده که افزون بر پشتیبانی به وسیله کتاب و سنت، حمایت محکم عقل و سیره عاقلان را نیز دارد، یکی از مشهورترین قاعده‌های فقهی است که از روزگاران قدیم معرکه نظرات فقیهان بوده است. مهم‌ترین دلیل این قاعده، روایتی است که عکس‌العمل پیامبر اکرم ﷺ را درباره عمل زیان‌آور سمره بن جندب نقل می‌کند. سمره در تردد به محل درخت خرماي خود، از خانه فردی از انصار می‌گذشت و اسباب ناراحتی وی را فراهم می‌کرد و حاضر نبود به هیچ‌وجه با وی کنار بیاید. به همین جهت، پیامبر اکرم ﷺ دستور دادند درختش را قطع کنند و نزد وی بیندازند و فرمود:

«تو فرد ضرر رساننده‌ای هستی و کسی نباید به مؤمن ضرر برساند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵، ح ۱ و ۳).

در معنای این قاعده بحث فراوانی بین فقیهان صورت گرفته است (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲، ۲۱۳). امام خمینی ﷺ در تفاوت بین معنای ضرر و ضرار می‌فرماید:

«بیشتر استعمالات ضرر درباره ضررهای مالی و جانی است اما ضرار به معنای تضییق و پدیدساختن محدودیت است» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸).

بحث دیگر نیز درباره استفاده ضمان از مفاد این قاعده است که گرچه برخی از فقیهان مانند مرحوم نائینی ﷺ باور به عدم استفاده ضمان از قاعده دارند (نائینی، ۱۳۷۳: ۲، ۲۲۱)، بسیاری از فقیهان مانند صاحب ریاض در مواردی برای استفاده ضمان به این قاعده استناد کرده‌اند (طباطبایی، بی تا: ۲، ۳۰۱).

کاربرد این قاعده و قاعده بعد را می‌توان در سطح‌های خرد و کلان مصرف، مورد توجه قرار داد. هر گاه خانوار یا بنگاهی با مصرف یا تولید خود باعث آلوده‌سازی محیط اطراف خود شود، از جهت شرعی ضامن است. همچنین هرگاه استفاده از منابع طبیعی به وسیله گروه یا نسلی به تضییع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بینجامد، براساس این قاعده

ضمان آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنان بپردازد. خود دولت نیز که امین مردم در استفاده از منابع آنان است حقوق شهروندان و نسل‌های دیگر را باید مورد توجه قرار دهد و اعمال سیاست‌هایی که به از بین رفتن یا تخریب منابع زیست‌محیطی بینجامد ضمان آور است مگر اینکه مصلحت اهمی در کار باشد.

۳. قاعده اتلاف

مستند این قاعده، افزون بر اجماع فقیهان و سیره عقلا، آیه شریفه ذیل و روایت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷، باب ۱۱ از ابواب کتاب الشهادات) است:

«فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره (۲)، ۱۹۴).

«هر کس بر شما تعدی کند، شما هم به مانند خودش با او رفتار کنید».

براساس این قاعده، هر گونه رفتار مصرفی که به تضييع اموال خصوصي يا عمومي بينجامد ضمان آور است. بنابراین افراد نمی‌توانند در منابع زیست‌محیطی تصرفی کنند که زمینه‌های تخریب و صدمه‌زدن به این منابع را پدید آورند و یا باعث آلودگی محیط زیست شود که خود یکی از منابع عمومی شمرده می‌شود. در غیر این صورت، در برابر حقوق دیگران ضامن خواهد بود.

۴. قاعده منع از اسراف و تبذیر

اسراف به معنای تجاوز از حد در صرف مال است. تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش مال معنا شده است، بنابراین اسراف و تبذیر هر دو به نوعی اتلاف مال شمرده می‌شوند با این تفاوت که در تبذیر نوعی ناآگاهی از عاقبت کار و ابهام نسبت به آینده وجود دارد اما اسراف کننده از نتیجه کار خود مطلع است (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۳۳). حرمت اسراف و تبذیر از مسلمات بوده و مورد تأکید قرآن مجید است (اسراء (۱۷)، ۲۷ و کلینی، ۱۳۷۶: ۴، ۵۲).

بنابر روایت‌ها هر نوع مصرفی که باعث تضييع مال شود و نیز مصرف بیش از حد متعارف از مصداق‌های اسراف شمرده می‌شود (حکیمی، ۱۳۷۰: ۴، ۳۰۹) حتی اگر اتفاق در راه خدا باشد. خروج از حد متعارف انواعی دارد. گاه از مال به هیچ‌وجه استفاده نمی‌شود و تضييع و اتلاف می‌شود؛ مانند دور ریختن آب قابل استفاده، و گاه فرد بیش از حد شأن خود از آن استفاده می‌کند، و گاه اصولاً مال، مورد نیاز شخص نیست. بنابراین، اسراف در

مواردی تحقق می‌یابد که یا مال ضایع و تلف شود یا به مصرف نادرست می‌رسد (نراقی، ۱۳۷۵: ۶۳۷ - ۶۲۰). شاهد بر این مطلب روایتی است که می‌فرماید:

«کمترین حد اسراف این است که لباس مهمانی را به هنگام کار بپوشی» (کلینی، ۱۳۶۶: ۵۶، ح ۱۰).

کاربرد این قاعده در بحث ما از دو جهت مورد توجه است. اولاً اسراف در استفاده کالاهای مصرفی، باعث استفاده بیشتر از منابع زیست‌محیطی شده و زمینه‌های تخریب آنها را فراهم می‌کند؛ ثانیاً استفاده غیربهبینه از منابع طبیعی، نیز اگر به تضييع آنها بینجامد مشمول این قاعده می‌شود.

۵. حرمت اتراف

با اینکه در نظام اسلامی، مسلمانان به فراهم کردن رفاه در زندگی تشویق شده و یکی از هدف‌های دولت اسلامی نیز برقراری رفاه عمومی دانسته شده است اما این رفاه با رفاه موجود در نظام سرمایه‌داری متفاوت است. رفاه در نظام اسلامی با مصرف‌گرایی و تفاخر متفاوت است. در قرآن از این افراد به صورت مترف و خوش‌گذران تعبیر شده که ثروت آنان آنان را از خداوند متعال غافل کرده و اسباب انحراف و فساد را برایشان فراهم می‌کند. این افراد به طور معمول در برابر پیامبران ایستادگی کرده و با آنان مخالفت می‌کنند. خداوند این گروه را وعده عذاب داده است (اسراء (۱۷)، ۱۶). در جای دیگر آمده، چه بسیار شهرها که زندگی خوش، ساکنانش را سرمست کرده بود، هلاک کردیم (قصص (۲۸)، ۵۸).

۶. نهی از فساد بر روی زمین

همان‌گونه که در مبانی اعتقادی اشاره شد در نظام اسلامی برخلاف نظام سرمایه‌داری که مصرف‌کنندگان براساس اصل فرد مالکی در رفتار مصرفی خود آزاد بودند مصرف‌کننده مسلمان در اموال خود نیز محدودیت‌هایی دارد. یکی از این محدودیت‌ها این است که رفتار مصرفی وی نباید همراه با فساد در روی زمین باشد. خداوند متعال رفتار برخی را که در زمین فساد کرده و کشت و نسل را نابود می‌سازند را نکوهش کرده است (بقره (۲)، ۲۰۵). در آیه دیگری ضمن تأکید بر برخورداری انسان از نعمت‌های دنیا و فراهم ساختن تعادل بین این نعمت‌ها و نعمت‌های آخروی از فساد بر روی زمین نهی می‌کند (قصص (۲۸)، ۷۷). بدیهی است رفتار مصرفی که تخریب محیط زیست و منابع زیست محیطی را به دنبال داشته باشد مصداق روشن فساد در روی زمین است.

۷. اصل منع از اختلال نظام

این قاعده که گاهی با عنوان وجوب حفظ نظام و گاهی هم با عنوان نهی از اختلال نظام از آن یاد می‌شود، مورد اتفاق فقیهان بوده و در موارد متعددی از بحث‌های فقهی، مورد استناد آنان قرار گرفته است؛ از جمله امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

«حفظ نظام از واجبات مورد تأکید است و اختلال در امور مسلمانان از اموری است که مورد رضایت شارع نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲، ۴۶۱).*

براساس این قاعده، هر گاه رفتار مصرفی افراد یا سیاست‌های دولت در حوزه مصرف و استفاده از منابع، به اختلال در نظم جامعه بینجامد، حرام و ممنوع است؛ برای مثال، با اینکه بهره‌برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده، هرگاه بر اثر ازدیاد جمعیت و کثرت استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه نظام بهره‌برداری از آن مرتع یا ... مختل شود، این آزادی مشروع محدود می‌شود (مؤمن، بی تا: ۱۴۷).

۷. اصل حاکمیت دولت

از مهم‌ترین عامل‌های کامیابی در اجرای خوب سیاست‌ها و قانون‌ها، وجود ضمانت اجرایی قوی آنها است. در غیر این صورت، بهترین برنامه‌ها امکان تحقق نمی‌یابند. اصولی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می‌کنند؛ با وجود این، اجرای خوب این برنامه‌ها، نیازمند حاکمیت دولتی مقتدر است.

در نظام اسلامی، که در رأس آن امام معصوم علیه السلام یا فقیه عادل قرار دارد، دولت از جایگاهی متناسب با وظیفه‌هایی که به عهده دارد برخوردار است. در نظام اقتصادی اسلام، مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع زیست‌محیطی مانند: اراضی موات، آباد طبیعی و جنگل‌ها و معادن به دولت اختصاص داده شده و بخش دیگری مانند اراضی خراج را نیز دولت به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می‌کند. این برخورداری دولت از حق مالکیت یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را فراهم می‌آورد تا با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی

*. همچنین ر.ک: (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۱، ۲۹۰ و موسوی خویی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۷).

درست، زمینه مصرف بهینه از این نعمت‌ها را فراهم سازد. بر این اساس و با استفاده از دلالت آیه ۵ سوره نساء که تأکید می‌کند که امواتان را که قوام زندگی شما به آن استوار است، در اختیار سفیهان قرار ندهید، دولت نمی‌تواند این منابع را که قوام جامعه بر آن استوار است در اختیار کسانی قرار دهد که آنها را به تباهی می‌کشد (نساء (۴)، ۵).

همچنین دولت در مواردی که مصارف شخصی افراد، منافع جامعه، اعم از این نسل و نسل‌های آتی را با مخاطره روبه رو می‌سازد می‌تواند آزادی آنها را محدود کرده و از مصرف مسرفانه آنها و نیز مواردی که باعث اتلاف منابع می‌شود جلوگیری کند.

ج. مبانی اخلاقی

اساس اولیه آموزه‌های دین اسلام بر این است که انسان‌ها در پرتو باور سالم، به گونه‌ای تربیت شوند که به سازوکارهای الزامی کمتر نیاز شود؛ به همین جهت به فرهنگ‌سازی و تحکیم مبانی اخلاقی در جامعه پرداخته است. در این قسمت برخی از مبانی اخلاقی که در فراهم‌ساختن زمینه برای مصرف بهینه مؤثر است را بیان می‌کنیم.

۱. اصل ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی

همان‌طور که در اصول اسراف و اتراف متذکر شدیم، اسلام در کنار تحریم این دو، مسلمانان را تشویق به ساده‌زیستی و قناعت کرده و این ویژگی را مشخصه زندگی مؤمنان می‌شمارد. براساس این اصل، انسان مؤمن هزینه اندک داشته و زندگی پرمصرف، تجملاتی و همراه با ریخت‌وپاش ندارد و در عین حال که در بخش تولید با مراعات حداقل هزینه بیشترین و بهترین تولیدها را خواهد داشت، مصرف را به صورت هدف نمی‌نگرد بلکه در حدی که رفاه وی را تأمین کند از نعمت‌های خداوند متعال استفاده خواهد کرد. تولیدکنندگان نیز نمی‌توانند به جهت بازار بیشتر برای تولید خود با تبلیغ، مصرف کاذب پدید آورند. در حقیقت، در نظام اقتصادی اسلام، تولید کارایی فنی دارد، زیرا همان‌طور که بیان شد از امکانات موجود بهترین استفاده را می‌کند و همین‌طور مصرف بهینه است زیرا کالاهای تولید شده به جا و بدون اسراف مصرف می‌شوند. بدیهی است که قناعت و ساده‌زیستی تلازمی با استفاده نکردن از نعمت‌های خداوند ندارد زیرا اشاره کردیم در جهان‌بینی الهی، داشتن دنیایی آباد، به معنای چشم‌پوشی از آخرت نیست بلکه مقصود پرهیز از تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی است.

۲. نکوهش حسادت و هم‌چشمی در مصرف

در جوامع مصرفی بسیاری از مصرف‌های غیر ضرور مردم ناشی از حسادت و چشم و هم‌چشمی با دیگران است. حتی برخی از افراد از نیازهای ضرور خود صرف‌نظر کرده و خود را گرفتار وام‌های سنگین می‌کنند تا بتوانند لوازم لوکس و تشریفاتی خریداری کنند و نسبت به دیگران تفاخر کنند. خداوند متعال در نکوهش این صفت می‌فرماید:

«وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (حجر (۱۵)، ۸۸).

«به آنچه ما گروه‌هایی از کافران را به آن برخوردار ساخته‌ایم، چشم ندوز.»

و نیز در آیه دیگر آمده است:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ...» (نساء (۴)، ۳۲).

«آنچه را خداوند به سبب آن، برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده، آرزو نکنید.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«به آنچه خداوند برای تو تقسیم کرده است، قانع باش و به آنچه نزد دیگران است چشم ندوز و چیزی را که به آن نرسیدی، آرزو نکن؛ زیرا کسی که قانع است، سیر می‌شود و کسی که قانع نیست، سیر نمی‌شود.»

و نیز در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

«کسی که چشم خود را به آنچه در دست دیگران است بدوزد، همیشه اندوهگین و غمناک خواهد بود و هرگز آتش خشم در دل وی فرو نمی‌نشیند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۹، ۷۸).

«من حرص علی الدنيا هلك» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۸۴۸۲).

«کسی که بر دنیا حریص باشد، نابود می‌شود.»

همین‌طور چشم و هم‌چشمی در مصرف به سبب آثار تخریبی که در روح فرد، روابط اجتماعی وی با دیگران و استفاده بیش از حد از منابع، خواهد داشت، نکوهش شده است. به‌طور طبیعی اگر در جامعه‌ای روحیه قناعت حاکم باشد و از مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی پرهیز شود، تقاضا برای کالاهای مصرفی و تجملاتی کم شده و اقبال تولیدکنندگان به سمت کالاهای ضرور خواهد رفت. نتیجه این پروسه، صرف مواد اولیه کمتر و صرفه‌جویی در منابع طبیعی خواهد بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فرضیه‌ای که در مقاله به دنبال اثبات آن بودیم این بود که دین اسلام با جهت‌دادن رفتار مصرفی مسلمانان، زمینه مصرف بهینه را برای آنان فراهم می‌کند. نتیجه چنین رفتار مصرفی حفظ محیط زیست خواهد بود. مقصود از مصرف بهینه، مصرفی است که رفاه مجموع جامعه اسلامی را بیشینه سازد. نتیجه‌های تحقیق را با توجه به مبانی و قواعد حاکم بر رفتار مصرفی مسلمانان می‌توان چنین برشمرد:

۱. دین اسلام برخلاف آنچه که در آموزه‌های مسیحیت مطرح است، افراد را به سمت رهبانیت و ترک دنیا سوق نمی‌دهد بلکه هدف نهایی آفرینش زمین، آسمان و نعمت‌های موجود در آنها را رفاه انسان می‌داند و اصولاً افراد مؤمن در استفاده از این نعمت‌ها شایستگی بیشتری دارند؛
۲. استفاده از نعمت‌های خداوند، به معنای از بین بردن و اسراف در مصرف آنها نیست. توجه دقیق به آموزه‌های اسلامی که برخی از آنها به صورت مبانی اعتقادی، فقهی و اخلاقی در مقاله مطرح شد، بیانگر این است که اسلام مصرف بهینه را نشانه گرفته است؛
۳. دین اسلام، به منظور فراهم کردن زمینه مصرف بهینه، در گام نخست به تحکیم مبانی اعتقادی مسلمانان پرداخته و کوشیده تا با تربیت آنان، زمینه را به گونه‌ای فراهم کند که خود افراد به صورت داوطلبانه از افراط و تفریط در رفتار مصرفی پرهیز کنند. به همین جهت نخستین اقدامی که پیامبران بعد از رسالت خود انجام می‌دادند کوشش در جهت دعوت انسان‌ها به اطاعت از خداوند و باور به عالم آخرت، و تقویت ایمان آنان بود؛
۴. انسان معتقد به خداوند متعال با تکریمی که خداوند وی در جایگاه اشرف مخلوقات و خلیفه خود بر روی زمین کرده است، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود در نعمت‌های خداوند متعال که امانتی در دست وی هستند تصرف نابخردانه کند؛
۵. مصرف‌کننده مسلمان می‌داند خداوند این منابع را به منظور رفاه همگان آفریده است و به شخص یا گروه خاصی تعلق ندارد؛ بنابراین از هرگونه تصرفی که به تضییع حقوق دیگران بینجامد، پرهیز می‌کند. وی باور دارد در قیامت درباره نعمت‌ها و چگونگی استفاده از آنها مورد پرسش واقع می‌شود؛
۶. براساس سنتی که خداوند متعال قرار داده است، استفاده بهینه از این نعمت‌ها که لازمه پرهیزگاری و شکر این نعمت‌ها است، فراوانی و استمرار آنها را به همراه دارد و کفران و ناسپاسی سبب زوال آنها می‌شود، بنابراین دین اسلام به دنبال محدود کردن مصرف مسلمانان نیست بلکه در صدد جهت‌دادن آن در جهت کمال آنان است؛

۷. دین اسلام، به واقعیت‌های اجتماعی نیز توجه دارد و درباره کسانی که در هر دوره حتی در زمان حضور پیامبر اکرم ﷺ، باور کافی به بحث‌های پیش‌گفته ندارند، سازوکارهایی قرار داده است تا منافع اجتماع با رفتار مصرفی نادرست این گروه خدشه‌دار نشود. به همین جهت مالکیت و سرپرستی منابع زیست‌محیطی را برای دولت قرار داده است تا بتواند با نظارت کامل از بین رفتن این منابع جلوگیری کند. همچنین با تشریح حرمت اتلاف اموال دیگران، اسراف و اتراف و نیز اصل حفظ نظام و حرمت اختلال در آن، تحقق مصرف عادلانه در جامعه اسلامی و نظارت دولت را تسهیل کرده است؛

۸. در سطح کلان، دولت اسلامی، مالکیت و سرپرستی بخش قابل‌توجهی از منابع را در اختیار دارد و ملزم به استفاده صحیح از این منابع است. دولت اسلامی، این منابع را در اختیار سفیهان و کسانی که شایستگی استفاده از آنها را ندارند قرار نمی‌دهد. از گسترش بی‌رویه مصرف دولتی پرهیز می‌کند و سطح مصرف خود را در حد ضرورت قرار می‌دهد دولت‌مردان توجه دارند که اسراف در اموال عمومی به مراتب مجازات سنگین‌تری نسبت به اموال شخصی دارد؛

۹. دولت اسلامی همچنین وظیفه دارد با فرهنگ‌سازی زمینه عمل به آموزه‌های نورانی اسلام در جامعه را فراهم سازد و مردم را به الگوی مصرف اسلامی تشویق کند. رسانه ملی و مطبوعات رسالت عظیمی دارند و همچنین بر روحانیان، آموزگاران، دبیران و استادان لازم است فرهنگ مصرف اسلام را نهادینه کنند؛

۱۰. هرگاه رفتار مصرفی مسلمان براساس آموزه‌های اسلامی جهت داده شود و مصرف بهینه محقق شود، نگرانی درباره تخریب محیط زیست و از بین رفتن منابع زیست‌محیطی وجود ندارد. عامل‌های تخریب محیط زیست مانند: گسترش شهرنشینی و صنعتی‌شدن، کشاورزی، رشد جمعیت و فقر، اگر کنترل شود و مصرف و بهره‌برداری افراد در آنها بهینه باشد نمی‌توانند محیط زیست را تهدید کنند. شهرنشینی و صنعتی‌شدن زمانی پیامد منفی دارد که همراه با مصرف‌زدگی باشد هم‌چنین رشد جمعیت اگر حساب‌شده باشد، با توجه به امکانات بالقوه فراوان نگران‌کننده نخواهد بود؛

۱۱. دولت اسلامی موظف است با پدیدآوردن نظام تأمین اجتماعی قوی زمینه فقر را از بین ببرد؛ بنابراین از این جهت نیز نگرانی برای محیط زیست وجود ندارد. همچنین دولت موظف است در قراردادهای بهره‌برداری از منابع تجدید شونده با بخش خصوصی قاعده‌ای را که در اقتصاد منابع است مبنی بر حفظ تناسب میزان استفاده این منابع با میزان زایش آنها، شرط کند و در منابع پایان‌پذیر نیز کارایی فنی مورد توجه قرار گیرد و به حق نسل‌های بعد هم با سرمایه‌گذاری از منافع این منابع توجه شود.

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. بارو، کریستوفر جان، ۱۳۸۰ش، *اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی*، ترجمه مهرداد اندرودی، تهران: کنگره، اول.
۲. جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۰ش، *انتظار بشر از دین*، قم: اسراء، اول.
۳. حسینی، سیدرضا، ۱۳۷۹ش، *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، ۱۳۷۰ش، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.
۵. خلیلیان، محمدجمال، ۱۳۸۴ش، *شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۶. دورنینگ، آلن، ۱۳۷۴ش، *چقدر کافیت؟ جامعه مصرفی و آینده زمین*، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
۷. دیرباز، عسگر و دادگر، حسن، ۱۳۸۰ش، *اسلام و توسعه پایدار*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. رضی، ابوالحسن‌الشریف، ۱۳۶۸ش، *نهج‌البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
۹. ریف کین، جرمی و هوارد، ۱۳۷۴ش، *جهان در سرایشی سقوط*، ترجمه محمود بهزاد، تهران: سروش.
۱۰. زاكس، اینیاسی، ۱۳۷۳ش، *بوم‌شناسی و فلسفه توسعه*، ترجمه سیدحمید نوحی، تهران: مؤسسه فرهنگی کیان، اول.
۱۱. سعدالدین، محمدمنیر، بی‌تا، «محیط زیست و مسؤولیت انسان»، تهران: فرهنگ جهاد، ش ۴.
۱۲. شاه‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۰ش، *تجمل و اسراف*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۱۳. صدر، سیدکاظم، ۱۳۷۸ش، «توسعه اقتصادی پایدار توسعه سازگار با بهره‌برداری از محیط زیست و حفظ آن»، قم: نامه مفید، ش ۱۷.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم.
۱۵. فراهانی فرد، سعید، ۱۳۸۹ش، اقتصاد منابع طبیعی از منظر اسلام (اصول و مبانی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. فضلان، ام. خالد و براین، جوان ا، ۱۳۷۸ش، اسلام و محیط زیست، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، اول.
۱۷. قحف، منذر، ۱۳۸۴ش، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، ترجمه سعید و محمدعلی فراهانی فرد، فصلنامه اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۷.
۱۸. کردبچه، حمید، ۱۳۸۷ش، اقتصاد کلان، تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصادی بهین.
۱۹. مؤمن، محمد، بی تا، «مالکیت عمومی و اقسام آن»، مقاله دومین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، بی جا: بی تا.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، بی تا، «الهیات محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، ش ۱۷.
۲۱. مومنی، فرشاد، ۱۳۸۸ش، چالش‌ها و چشم‌اندازهای اصلاح الگوی مصرف، سخنرانی در مؤسسه دین و اقتصاد، ۳۰ فروردین ۱۳۸۸.
۲۲. میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۴ش، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۴ش، دین و نظام طبیعت، ترجمه محمدحسن غفوری، تهران: حکمت، اول.
۲۴. هات، جان اف، ۱۳۸۲ش، علم و دین، ترجمه بتول نجفی، قم: کتاب طه، اول.
۲۵. _____، ۱۳۷۹ش، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، قم: طه، اول.

ب. عربی

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ش، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: سیدجلال‌الدین

محدث الارموی، تهران: دانشگاه تهران.

۲. بجنوردی، محمدحسن، ۱۳۷۷ش، القواعد الفقهیه، ۲، قم: نشر الهادی، اول.
۳. بحر العلوم، سیدمحمد، ۱۴۰۳ق، بلغة الفقیه، تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، الرابعه.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. سیدجمیل، محمد، ۱۴۲۰ق، قضايا البيئة من خلال القرآن و السنة، بی جا: منشورات المنظمة الاسلامیة للتربية و العلوم و الثقافة.
۶. طباطبایی، سیدعلی، بی تا، ریاض المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۷. کلینی، یعقوب، ۱۳۷۶ق، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم.
۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹ش، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، پنجم.
۱۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹ش، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. ———، ۱۳۷۸ش، الرسائل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، ۱۳۷۱ش، مصباح الفقاهه، قم: وجدانی.
۱۳. نائینی، محمدحسین، ۱۳۷۳ق، منیة الطالب، ۱، تهران: المکتبه المحمدیه، اول.
۱۴. نراقی، احمد، ۱۴۱۵ق، مستند الشیعه، مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول.
۱۵. ———، ۱۳۷۵ش، عوائد الایام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ج. انگلیسی

1. Daly, Herman E. 1991, *Steady-State Economics*, Second Edition with New Essays, Washington DC: Island Press.
2. Nick Hanley, Jason F. Shgren, Ben Whith, 1997, *Environmental Economics In Theory And Practice* .
3. Røpke, Inge and Reisch, Lucia A. 2004 ,The place of consumption in ecological economics, in " The Ecological Economics of Consumption" Published by Edward Elgar, Glensanda House Montpellier Parade Cheltenham Glos GL50 1UA, UK.